



A Teleological Approach to Religious Science and Designing a Model for Problem-Oriented University

Sasan Zar'e –

Mahdi Ghazavizadeh —

Abstract

These days, universities do not carry out their own task, containing the main philosophy of universities, properly. In the educational dimension, the contents are not devoted to the real requirements of learners and the societies, and in the research aspect, the outputs do not address the current problems and blockages for the people and societies. Hence, problem-orientation neither flows in education, nor does it in research. As a result, universities are not able to carry out their social responsibilities. The religion of Islam, placing great emphasis on the acquisition of knowledge and acquiring science, highly recommends that the acquired knowledge must be first of all beneficial, and second, be put into practice. According to some thinkers, if this is the case, such knowledge can be referred to as religious science, and the university providing such knowledge is likely to be considered an Islamic university. Based on the definition of problem-orientation, this research is intended to identify the components and the model of problem-oriented university using content analysis method. The comprehensive themes obtained indeed contain the main components of the problem-oriented university model, including need-based education system, interaction with the service receivers, commercialization, problem-oriented research system, financial resource management, facilities and support, organizational learning and knowledge management, university culture, human resource management and university management system.

Keywords: *Problem-oriented universities, beneficial science, religious science, teleological approach to the science of religion.*

– Assistant professor at the Faculty of Management and Economics, Imam Hussein University, Tehran, Iran
zaresasan@yahoo.com

— Responsible author: PhD candidate in management, Imam Hussein University, Tehran, Iran
mghazavizadeh@chmail.ir

شاپا چاپی: ۶۹۸۰ - ۲۲۵۱
شاپا الکترونیکی: ۵۲۳۴ - ۲۶۴۵

نشریه علمی

«مدیریت اسلامی»

(بهار ۱۴۰۰، سال ۲۹، شماره ۱: ۲۲ - ۵)



رویکرد غایت‌گرایانه به علم دینی و ارائه الگوی دانشگاه مسئله‌محور

ساسان زارع -

مهدی قضاوی‌زاده -

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۹/۲۹

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۱/۲۹

چکیده

امروزه دانشگاه‌ها به وظیفه اصلی خود که همان فلسفه وجودی دانشگاه است به‌طور بایسته و شایسته عمل نمی‌کنند. در بُعد آموزش، محتوای آموزشی با نیازهای فراگیران و جامعه متناسب نیست، در بُعد پژوهشی نیز، خروجیها به مشکلات و تنگناهای فعلی مردم و جامعه ناظر نیست. از این‌رو مسئله‌محوری نه در آموزش و نه در پژوهش وجود ندارد؛ به همین دلیل، دانشگاه مسئولیت اجتماعی خود را ادا نمی‌کند. دین اسلام که به فراگیری دانش تأکید زیادی دارد و علم‌آموزی را ارزش می‌داند، بسیار سفارش کرده است دانشی که فرا گرفته می‌شود اولاً علم نافع باشد؛ ثانیاً به دانسته‌ها عمل شود. در این صورت طبق نظر برخی اندیشمندان می‌توان به چنین دانشی عنوان علم دینی اطلاق کرد و دانشگاهی که اینگونه باشد را می‌توان دانشگاه اسلامی دانست. این پژوهش درصدد است با توجه به تعریف مسئله‌محوری، مؤلفه‌های دانشگاه مسئله‌محور را استخراج کند و با استفاده از روش تحلیل مضمون به الگوی دانشگاه مسئله‌محور دست یابد. مضمونهای فراگیر به‌دست آمده در واقع متغیرهای اصلی الگوی دانشگاه مسئله‌محور است که عبارت است از: نظام آموزشی نیازمحور، تعامل با خدمت‌گیرندگان، تجاری‌سازی، نظام پژوهشی مسئله‌محور، مدیریت منابع مالی، امکانات و پشتیبانی، یادگیری سازمانی و مدیریت دانش، فرهنگ دانشگاهی، مدیریت منابع انسانی و نظام مدیریتی دانشگاه.

کلیدواژه‌ها: دانشگاه مسئله‌محور؛ علم نافع؛ علم دینی؛ رویکرد غایت‌گرایانه نسبت به علم دینی.

zaresasan@yahoo.com

* استادیار دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران

mghazavizadeh@chmail.ir

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مدیریت دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران

مقدمه

مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها، بر هدفمندی پژوهش تأکید کردند و فرمودند: «اقدام دیگر، هدفمند کردن تحقیقات است. مقالاتی باید تولید بشود که هدفمند باشد. ببینید نیاز کشور چیست؛ خلأ کجا است؛ این تحقیقات، آن خلأ را برطرف بکند؛ این خیلی مهم است. پژوهش‌های بی‌هدف را بایستی از دایره کار خارج کرد. البته هدف پژوهش قاعدتاً دو چیز است: یکی رسیدن به مرجعیت علمی و حضور در جمع سرآمدان علم و فناوری. دوم حل مسائل کنونی و آینده‌ی کشور. اینها با هم منافات هم ندارد؛ پژوهش بایستی هم برای رسیدن به اوج قله علم و ایجاد مرجعیت علمی باشد هم باید برای حل مسائل جاری کشور باشد» (۱۳۹۷/۰۳/۲۰).

در اسناد راهبردی و بالادستی نظام آموزش عالی نیز بر کاربردی بودن آموزشها و پژوهشها و حل مشکلات و مسائل بر مبنای تحقیقات علمی تأکیدات زیادی شده است. در اینجا فقط به فهرست آنها اشاره می‌شود: قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مصوب مجلس شورای اسلامی در ۱۳۸۳/۰۵/۱۸؛ سند شاخصهای ارزیابی آموزش عالی مصوب جلسه ۵۵۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۸۳/۰۸/۲۶؛ سیاستهای کلی نظام برای رشد و توسعه علمی و تحقیقاتی کشور در بخش آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۱۵؛ نقشه جامع علمی کشور مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۹ و سند دانشگاه اسلامی.

اما امروزه مشاهده می‌شود از یکسو مسائل و نیازهایی هست که دانشگاهها به آنها نمی‌پردازند و از سوی دیگر در (آموزش و پژوهش) دانشگاهها به موضوعاتی پرداخته می‌شود که سودی ندارد؛ این بدان علت است که جهتگیری نظام آموزش عالی ایران در راستای پاسخ به تقاضای اجتماعی ورود به دانشگاه است که خود ناشی از فرهنگ غلط مدرک‌گرایی است. بویژه این پدیده در علوم انسانی نسبت به دیگر علوم بیشتر مشاهده می‌شود؛ این در حالی است که استاد مطهری با توجه به تأکیدات آموزه‌های دینی بر علم نافع، معتقدند علم دینی همان علم نافع است که نیازهای جامعه اسلامی را برآورده سازد و برای مسلمین سودمند باشد: «علوم فریضه که بر مسلمانان تحصیل و تحقیق در آنها واجب است، علمی [است] که برآوردن نیازهای لازم جامعه اسلامی موقوف به آن

علم و تخصص و اجتهاد در آن علم باشد بر مسلمین تحصیل آن علم از باب به اصطلاح «مقدمه تهیّتی» واجب است. توضیح اینکه اسلام دینی جامع و همه‌جانبه است؛ دینی است که تنها به یک سلسله پندها و اندرزهای اخلاقی و فردی و شخصی اکتفا نکرده است؛ دینی است جامعه‌ساز. آنچه جامعه بدان نیازمند است، اسلام آن را به‌عنوان یک واجب کفایی فرض کرده است؛ مثلاً جامعه نیازمند به پزشک است از اینرو عمل پزشکی واجب کفایی است» (مطهری، ج ۵: ۳۸ - ۳۷)؛ پس علم و دانشی که در عمل مورد استفاده قرار نگیرد و یا موجب سودرسانی از طریق حل مشکلات و مسائل جامعه اسلامی نشود، مورد تأکید دین اسلام نیست و چنان غیرسودمند و بلکه زیانبار است که باید از چنین علم و دانشی به خداوند متعال پناه برد: «اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۸۳، ص ۱۸، ب ۳۸) و شدیدترین عذاب را در روز قیامت آن کسی دارد که علم و دانشش، بهره‌ای نداشته است: «أَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا عَالِمٌ لَّا يَنْتَفِعُ مِنْ عِلْمِهِ بِشَيْءٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۸۳، ص ۱۸، ب ۳۸). علم و دانشی هم که به آن عمل نشود، بدترین علم است: «شَرُّ الْعِلْمِ عِلْمٌ لَّا يُعْمَلُ بِهِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۴۱۰، فصل ۴۱، ح ۳۶) (حتی اگر دروس حوزوی مانند خداشناسی و قرآن باشد) و چنین دانشی دچار آفت شده است: «آفَةُ الْعِلْمِ تَرْكُ الْعَمَلِ بِهِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۲۷۹، فصل ۱۶، ح ۳۵).

درباره ضرورت پرداختن به مبحث «مسئله‌محوری» باید گفت که در وضعیت فعلی از یک‌سو در دانشگاه‌ها و نهادهای علمی به آموزش و پژوهشهایی پرداخته می‌شود که نه نیازی را پاسخ می‌دهد و نه مسئله‌ای را حل می‌کند و از سوی دیگر مسائل، نیازها و مشکلاتی هست که با وجود ظرفیتها، امکانات و زمینه‌های مناسب برای رفع و حل آنها همچنان بدون پاسخ و حل نشده باقی‌مانده است. پژوهشهایی هم که انجام می‌شود نیز یا درباره «مسئله‌محوری» بوده که به‌طور کلی به مشکل «نامسئله‌محوری» پرداخته‌اند و بدون ارائه راه‌حل مشخص، به‌صورت سلبی بحث کرده یا در صدد ارائه الگوی دانشگاهی بوده که این دسته از پژوهشها نیز به مسئله‌محوری آن هم در سطح دانشگاهی یا اصلاً نپرداخته یا به‌طور کلی و مجمل به آن اشاره‌ای کرده است؛ از این رو با توجه به اهمیت نهاد دانشگاه برای جامعه از ابعاد مختلف، که در جای خود مورد بحث قرار گرفته است و نیز اهمیت مقوله «مسئله‌محوری» که در سطور بالا مطرح شد، ضروری به نظر می‌آید که الگویی برای «دانشگاه مسئله‌محور» تدوین شود.

این نوشتار به منظور نافع و سودمند شدن علوم دانشگاهی، که به دینی کردن علوم دانشگاهی

منجر، و باعث می‌شود بتوان چنین دانشگاه‌هایی را دانشگاه اسلامی نام نهاد در صدد آن است تا عوامل دانشگاه مسئله‌محور را شناسایی، و به دنبال آن، الگوی دانشگاه مسئله‌محور را ترسیم نماید.

تعاریف

منظور از رویکرد غایتگرایانه^۱ نسبت به علم دینی، دیدگاهی است که معتقد است علم دینی، علم نافع و ملاک نافع بودن علم نیز نیازهای فرد و جامعه اسلامی است؛ به عبارت دقیق‌تر، نافع بودن علم را می‌توان در دو بُعد پاسخ به سؤالات (عمدتاً) فردی و حل مسئله‌های (عمدتاً) اجتماعی دنبال کرد» (خندان، ۱۳۹۱: ۲۷).

تعریف رسمی اصطلاح «دانشگاه» در کشور ما این گونه است: به تمامی مؤسسات آموزش عالی اعم از آموزشی و پژوهشی، روزانه، شبانه، حضوری، راه دور، دولتی و غیردولتی، متمرکز و نیمه‌متمرکز دانشگاه گفته می‌شود که مدرک رسمی بالاتر از دیپلم متوسطه صادر می‌کنند (دادمرزی، ۱۳۷۷: ۲۷).

تعریف کارکردگرایانه دانشگاه این گونه است: نهادی با سه کارکرد اصلی تولید دانش (یا پژوهش) انتقال دانش (یا آموزش) گسترش و نشر دانش (یا خدمات). از میان این سه کارکرد، تولید دانش، مهمترین کارکرد زیرمجموعه آموزش عالی در جوامع صنعتی نوین است و مراکز این تولید، دانشگاه‌ها هستند. دومین کارکرد اصلی آموزش عالی، انتقال دانش تولید شده به نسلهای جوان به‌منظور ۱. تربیت دانش‌آموختگان فرهیخته ۲. تربیت نیروی انسانی متخصص برای جامعه است. سومین کارکرد اصلی آموزش عالی، گسترش و نشر دانش تولیدشده در جامعه است (اجتهادی، ۱۳۷۷).

مسئله‌محوری^۲ در پژوهش بدین معناست که پژوهش به نیازها معطوف، و درصدد حل مسائل و مشکلات باشد. در این حالت، ابتدا «مسئله» مبنا قرار می‌گیرد و نیازهای پژوهشی برآورد می‌شود و سپس پژوهشگر یا گروه پژوهشی مناسبی برای اجرای آن انتخاب می‌شود. البته لازمه توسعه پژوهشهای مسئله‌محور، بازنگری در چگونگی تدوین طرحهای پژوهشی است (پورعزت و قلی‌پور، ۱۳۸۸؛ فرامرزی‌قراملکی، ۱۳۸۰: ۱۲۶-۱۲۵).

۱. دیدگاه مقابل، رویکرد میناگرایانه است که معتقد است علم دینی بر مبانی اسلامی و توحیدی مبتنی است (خندان، ۱۳۹۱: ۲۷).

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در این قسمت ابتدا به مبانی نظری (نظریه‌ها، دیدگاه‌ها و رویکردها در مورد مسئله) اشاره می‌شود و سپس پیشینه پژوهش (پژوهش‌های پیشین و روش‌شناسی آنها در مورد مسئله) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مبانی نظری

بیشتر بیان شد که صاحب‌نظرانی همچون استاد مطهری براساس رویکرد غایت‌گرایانه، آن علمی را که برای جامعه اسلامی سودمند است و بتواند مسئله‌ای از مسلمانان را حل کند و یا نیازی از آنان را پاسخ دهد علم دینی می‌دانند. می‌توان گفت مستند این نظریه ایشان، تأکیدات زیادی است که در منابع دینی از یک طرف بر «علم نافع» و از سوی دیگر بر «عمل به دانسته‌ها» شده است؛ یعنی هم علم و دانشی که فرا گرفته می‌شود، باید مورد استفاده عملی قرار بگیرد، هم اینکه این عمل کردن به علم و استفاده از آن، موجب سودمندی و نفع‌رسانی باشد؛ بدین صورت که مسائل جامعه را حل کند. البته دقت به این نکته لازم است که علم و دانش موقعی می‌تواند سود و منفعت داشته باشد که در عمل، بکار گرفته شود.

علاوه بر موضوع «علم نافع» و «عمل به دانسته‌ها»، تأکیدات نقلی دیگری نیز در زمینه مسئله محوری هست که اهمیت این موضوع را نشان می‌دهد. از آنجایی که این بحث در مقاله دیگری به‌طور تفصیلی مطرح شده است در اینجا فقط به ذکر رئوس و عناوین مطالب آن مقاله بسنده می‌شود: ۱. تمام و کمال علم ۲. شکر نعمت علم ۳. ادای امانت علم ۴. حق علم، عمل به آن است ۵. اهتمام به امور مسلمانان از طریق حل مسائل و مشکلات آنان ۶. عمل بر اساس علم و دانش؛ از این رو مسئله محوری در دین مبین اسلام نه تنها مورد تأیید است بلکه مورد تأکید است تا آنجا که این مقوله برای نیازهای ضروری جامعه اسلامی در حالت عادی واجب کفایی است و گاهی در شرایط خاص برای برخی افراد به واجب عینی تبدیل می‌شود. «درست است که همه قضایای علوم تجربی، آثار و نتایج عملی به دنبال نمی‌آورد، اما بسیاری از آنها به گونه‌ای با حوزه عمل مکلفان مربوط می‌شود؛ مثلاً اعتنا به دستاوردهای علمی در صنایع مختلف برای مهندسان و صنعتگران، بُعد شرعی دارد؛ مثلاً اگر در صنعت هواپیماسازی یا کشتی‌سازی، صنعتگر و مهندسی از روی علم و عمد، یافته‌های اطمینان‌آور علمی را زیر پا گذاشت و ضوابط عملی رشته خود را نادیده انگاشت و

به این ترتیب جان مسافران و استفاده کنندگان از هواپیما و کشتی را به خطر انداخت، شرعا مسئول و ضامن است» (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۱۶).

از سوی دیگر در ادبیات دانشگاهی، دسته‌بندیهای مختلفی از انواع دانشگاه‌ها صورت گرفته است که یکی از آنها دانشگاه‌ها را در سه نسل مختلف طبقه‌بندی می‌کند به گونه‌ای که نسلهای بعدی، ویژگیهای نسلهای قبلی را، و علاوه بر آن، ویژگیهای جدید دیگری نیز دارند. دانشگاه‌های نسل اول بر آموزش، متمرکز هستند و در قرون وسطی ریشه دارد. دانشگاه‌های نسل دوم با وجود داشتن ویژگیهای نسل اول بر پژوهش و تولید علم تأکید می‌کنند. دانشگاه‌های نسل سوم علاوه بر آموزش و پژوهش در پی کارافرینی دانش‌بنیان هستند (ویسما و ورلوپ، ۲۰۰۹: ۱۰-۵).

هریک از این نسلهای دانشگاهی در شرایط زمانی ویژه و در موقعیت مکانی خاصی به وجود آمده‌اند که با زمینه‌ها و مقتضیات مکانی و زمانی خودشان متناسب هستند و لذا هویت متمایزی دارند. به نکته قابل توجه دیگری باید اشاره شود که این نسلها با همدیگر تنافی ندارند و این گونه نیست که نسلهای بعدی، نسلهای قبلی را کنار بگذارند؛ بلکه نسلهای بعدی مکمل و متمم کمبودها و نواقص نسلهای قبلی می‌شوند. کمبودها و نواقصی که خلأ آنها احساس می‌شد و این خلأها به‌عنوان مسئله و مشکل شناخته، و در راستای حل مشکل و پاسخ به مسئله، نسل جدید دانشگاهی معرفی می‌شد؛ این بدان سبب است که همیشه در طول تاریخ نهاد دانشگاه، پاسخگویی به نیازها و رفع کمبودهای جامعه، توقعی است که از این نهاد می‌رفته، و لذا هرگاه شرایط اقتضا می‌کرد، و لازم است، الگو و یا نسل جدیدی از دانشگاه با توجه به شرایط و موقعیت معرفی، و کارکرد جدیدی به کارکردهای قبلی آن افزوده می‌شده است.

جدول ذیل ۱، ویژگیهای اصلی نسلهای مختلف دانشگاهی را با یکدیگر مقایسه می‌کند.

جدول ۱. مقایسه ویژگی‌های اصلی نسل‌های مختلف دانشگاهی (ویسما و ورلوپ، ۲۰۰۹، ۲۳)

نسل سوم	نسل دوم	نسل اوّل	نسل‌های دانشگاهی ویژگی‌ها
آموزش + پژوهش + بهره‌گیری از دانش فنی	آموزش + پژوهش	آموزش	هدف
کارافرینی و خلق ثروت	جستجوی حقیقت	خدمت‌گزاری	نقش
علوم تجربی مدرن، میان‌رشته‌ای	علوم تجربی مدرن، تک‌رشته‌ای	مدرسه‌ای	روش
جهانی	ملی	همگانی	جهت‌گیری
مدیریت حرفه‌ای	دانشگاهی (پاره‌وقت)	ریاست عالی	مدیریت
مؤسسات دانشگاهی	دانشکده‌ها	دانشکده‌ها، کالجها	ساختار
افراد حرفه‌ای + پژوهشگران + کارآفرینان	افراد حرفه‌ای + پژوهشگران	افراد حرفه‌ای	خروجی

نگاه تاریخی به نهاد دانشگاه در تمدن غربی نشان می‌دهد این نهاد از همان ابتدای تأسیس و بنیانگذاری تا به امروز، با هدف رفع نیازهایی راه‌اندازی شده و تداوم حیات داشته است که مؤسسان و یا حامیان آنها مد نظر داشته‌اند. از همان ابتدا، که کلیسای مسیحیت با الگوگیری از دنیای اسلام به پایه‌گذاری نهاد دانشگاه اقدام کرد درصدد ترویج معارف دین مسیحیت و یا احیاناً آموزش دیگر علوم البته با رنگ دینی (مسیحی) بود و این‌گونه، دانشگاه در خدمت دین (مسیحیت) قرار گرفت. تا اینکه با جدایی دین از سیاست در تمدن غرب، دولت متولی نهاد دانشگاه شد و طبیعی بود که از این نهاد برای رفع نیازهای خود از آن بهره بگیرد. یکی از نیازهای مهمی که نهاد دولت در آن زمان از دانشگاه انتظار برآورده کرد آن را داشت، نیاز به نیروی انسانی آموزش‌دیده بود؛ از این رو مهمترین مأموریتی که در آن برهه تاریخی برای نهاد دانشگاه تعریف شد، تربیت کارکنان حرفه‌ای برای دستگاه‌های دولتی بود و بدین سان، دانشگاه در خدمت دولت قرار گرفت. در این دوره بود که علاوه بر کارکرد اولیه دانشگاه یعنی آموزش، کارکرد دیگری نیز برای این نهاد تعریف شد که پژوهش و تولید علم است. بعد از مدتی با نفوذی که شرکتهای بزرگ خصوصی و تجاری بر دولتها (به‌عنوان سیاستگذار آموزش عالی) داشتند،

دانشگاه‌ها به سمت این رفتند که دانشجویان را برای ورود به بازار کار آماده کنند و به آنها مهارت‌های عملی را آموزش دهند تا بدین وسیله نیازی برطرف شود که این شرکتها به نیروی کار آموزش دیده دارند. بر این اساس، برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌ها به گونه‌ای طراحی شد که نیازهای مصرف‌کننده‌های بعدی این آموزشها (یعنی سازمانهایی که دانشجویان را به خدمت می‌گیرند) را مورد توجه قرار دهد (ذاکرسالحي، ۱۳۸۳: ۲۳).

پیشینه پژوهش

به‌منظور بررسی پژوهشهایی که پیش از این درباره مقوله‌های علم نافع، رویکرد غایتگرایانه، مسئله‌محوری و ارائه الگوی دانشگاهی صورت پذیرفته است، این پژوهشها در قالب جدول ذیل ۲ و براساس نویسنده (گان)، سال انتشار، روش پژوهش، اهداف (یا پرسشهای) پژوهش و مهمترین یافته‌های پژوهش با یکدیگر مقایسه می‌شود.

جدول ۲. مقایسه پژوهشهای پیشین

ردیف	نویسنده (گان)	روش پژوهش	اهداف یا پرسشهای پژوهش	مهمترین یافته‌های پژوهش
۱	علی اصغر خندان (۱۳۹۱)	توصیفی تحلیلی	دیدگاه غایتگرایی چه جایگاه و توجیهی در نظریه‌ی کلان علم دینی دارد؟	عبادت و عدالت، دو ارزش اصیل، و تمام ارزشهای دیگر از جمله علم، ارزشهای ثانوی و دارای ارزش ابزاری است. برای رسیدن به علم دینی باید به علم نافع پرداخت که درواقع علم بومی است؛ علمی پاسخگو به سؤاها و مسائل جامعه.
۲	محمد الله‌تیا (۱۳۹۷)	تحلیل محتوا	تعیین مؤلفه‌های مقاله مطلوب از نگاه مقام معظم رهبری	تأمین نیازهای کشور، نوآوری، شکستن مرزهای دانش، رعایت ضوابط جاری، نمایان شدن آثار تحقیق علمی در اجتماع، دشمن‌ستیزی، کسب مرجعیت علمی، مکمل زنجیره تحقیق، اتقان، متانت و رعایت حد اعلای توان علمی
۳	علیرضا اعرافی و مجید طرقي و حسین مولودی (۱۳۹۷)	تحلیلی - توصیفی و انتقادی	بررسی فقهی ادله قول مشهور در رجحان تعلیم و تعلم علم نافع و مرجوحیت تعلیم و تعلم علم غیرنافع	اولویت تعلیم و تعلم، علم دینی و علم نافع اخروی نسبت به علوم دیگر، استحباب تعلیم و تعلم علم نافع، مرجوحیت تعلم علم غیرنافع و اباحه تعلیم علم غیرنافع صرف نظر از عناوین ثانویه
۴	بهرام اخوان کاظمی (۱۳۹۰)	توصیفی - تحلیل اسنادی	ترسیم الگویی اسلامی برای تبیین دانشی که با وصف «نافع» و «خیر» در روایات اسلامی ذکر شده است.	علم نافع، دانشی در مسیر عبودیت الهی و احیای دین و مطابق و هماهنگ با فطرت و عقلانیت و در جهت خیر و صلاح و مصالح دینی و دنیایی و دارای رویکرد کاربردی و مخالف هواهای نفسانی و برخوردار از جنبه‌های فراحسی و شهودی است.

ردیف	نویسنده(گان)	روش پژوهش	اهداف یا پرسشهای پژوهش	مهمترین یافته‌های پژوهش
۵	محمدتقی ایمان و احمد کلاته ساداتی (۱۳۹۰)	توصیفی تحلیلی	مقایسه تطبیقی میان مسئولیت اجتماعی علم در جهان‌بینی اسلامی با اندیشه غربی در سطح کلان	مسئولیت اجتماعی علم به مبانی روش‌شناختی و ارزش‌شناختی علم برمی‌گردد. پارادایمهای غربی از این لحاظ، دارای تضاد آرای جدی دارد که باعث شکل‌گیری نگاه‌های متفاوت به مسئولیت اجتماعی در اندیشه غربی شده است. هم‌چنین ارزشها از نظر آنها فقط مادی و دنیوی است؛ اما معرفت‌شناسی اسلام، توحیدی است و مسئولیت اجتماعی علم بر حرکت بر مدار لوح محفوظ و سنت الله مبتنی است که به علم نافع ختم می‌شود. علم در اسلام با عملی کردن مفاهیم خود به دنبال اجرای مسئولیت خود است.
۶	سعید خورشیدی (۱۳۹۰)	توصیفی تحلیلی	نقش رسانه‌های ارتباط جمعی در تولید علوم انسانی اسلامی چیست؟	رسانه‌های ارتباط جمعی با در پیش گرفتن زاهدی‌های خاصی می‌توانند در فراهم آوردن زمینه‌ها و مقدمات وجودی معرفتی و غیرمعرفتی فردی و اجتماعی تولید علوم انسانی اسلامی، مؤثر باشند.
۷	باقری و همکاران (۱۳۹۶)	روش دلفی و تحلیل سلسله-مراتبی	شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های کلیدی در ساختار دانشگاه کارافین	عوامل به ترتیب عبارت است از: ترکیب، استقلال، حرفه‌ای‌گرایی، پیچیدگی، تمرکز و رسمیت. محیط ساختاری دانشگاه کارافین باید مشوق فضای خلاقیت و هم‌افزایی باشد.
۸	محسن شاکری و زهرا اکبری و سیدعلیرضا هوشی‌السادات (۱۳۹۷)	نظریه داده‌بنیاد	ارائه مدلی برای تبیین دانشگاه اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری	مقوله‌های شکل‌دهنده دانشگاه اسلامی و روابط آنها در قالب مدل پارادایمی به‌دست آمد که شامل شرایط علی (۹ مقوله)، مقوله هسته‌ای (توأم آن کردن علم و تقوی)، راهبرد (۹ مقوله)، شرایط محیطی (۴ مقوله) و ویژگیهای زمینه‌ای (۴ مقوله) و پیامدها (۴ مقوله) است
۹	عابدی و همکاران (۱۳۹۶)	توصیفی - تحلیلی	تدوین الگوی دانشگاه کارافین کشاورزی و منابع طبیعی از دیدگاه مدیریت آموزش کشاورزی	ارتباطهای سازمانی، تدریس - یادگیری، برنامه‌ریزی درسی، تمایزهای یک دانشگاه کارافین کشاورزی و منابع طبیعی با دانشگاه کارافین در دیگر رشته‌ها و فعالیتهای فرایندی، برخی از عوامل تشکیل‌دهنده دانشگاه کارافین کشاورزی و منابع طبیعی
۱۰	راد و همکاران (۱۳۹۶)	تحلیل محتوای کیفی استقرایی	مطالعه نظام‌مند و ترکیب‌پژوهی بر الگوهای نظری و پژوهشهای صورت‌گرفته در ایران با موضوع دانشگاه پایدار به‌منظور طبقه‌بندی، تلخیص و تلفیق مؤلفه‌های آن	۲۰۳ عوامل دانشگاه پایدار در ۲۵ مقوله و هشت بُعد سازماندهی شد. ابعاد به ترتیب نزولی تعداد ارجاع و منابع عبارت است از: مدیریت زیست‌محیطی فضای دانشگاهی، آموزش پایدار، مشارکت‌کنندگان، مدیریت پایدار، سرمایه اجتماعی؛ پژوهش پایدار، نظارت، ارزیابی و گزارش‌دهی، اداری و مالی.

ردیف	نویسنده(گان)	روش پژوهش	اهداف یا پرسشهای پژوهش	مهمترین یافته‌های پژوهش
۱۱	جوانمردی و همکاران (۱۳۹۷)	نظریه داده‌بنیاد	طراحی الگوی دانشگاه نوآور در چارچوب اکوسیستم نوآوری در ایران و تعیین اجزای اکوسیستم نوآوری و دانشگاه نوآور	دانشگاه نوآور، سه محور اصلی عوامل فردی، گروهی و نهادی (سازمانی) دارد که و هر یک از این محورها دارای سه بُعد نوآوری و کارآفرینی، آموزش و پژوهش دارد.
۱۲	مهران کشتکار و خلیل نوروزی (۱۳۹۵)	نظریه‌پردازی داده-بنیاد	شناسایی ابعاد دانشگاه اسلامی در راستای اصلاح نهاد دانشگاه برای تحقق اقتدار و مرجعیت علمی	الگوی نهایی حرکت به سوی دانشگاه اسلامی شامل سه محور «دانشجوی انقلابی»، «استاد متقی و عالم» و «اهداف انقلاب اسلامی» است که در بستر هم‌افزا و تکاملی اهداف، چشم‌انداز و رسالت دانشگاه تحقق می‌پذیرد.
۱۳	گراوند و همکاران (۱۳۹۷)	روش کیفی (تحلیل مضمون) و نیز فن الگوسازی معادلات ساختاری	طراحی مدل دانشگاه ارزش‌بنیان	ارزشهای شکل‌دهنده الگوی دانشگاه ارزش‌بنیان در سه سطح فردی (شامل علم و آگاهی، روحیه ستیزه‌جویی، حسن خلق، خلایق، علاقه به کار، ایمان، بصیرت، اعتماد به نفس و سعه صدر)، سازمانی (شامل نوع‌دوستی، احترام به شایستگی افراد، قانون‌مداری و مشورت) و اجتماعی (شامل مسئولیت‌پذیری، مثبت‌اندیشی در جامعه، همدل بودن، عجزین شدن با اجتماع و اخلاق اجتماعی) قابل تقسیم است.
۱۴	هوشی السادات و همکاران (۱۳۹۷)	داده‌بنیاد	هدف شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های بومی دانشگاه ناب در دانشگاه فرهنگیان و نهایتاً طراحی الگوی دانشگاه ناب	الگویی ساختارمند و همه‌جانبه در قالب عوامل شرایط علی (۴ مقوله)، پدیده اصلی (۲ مقوله)، راهبردها (۶ مقوله)، عوامل زمینه‌ای (۵ مقوله)، شرایط محیطی (۴ مقوله) و پیامدها (۳ مقوله)
۱۵	محسن خسروی و محبوبه‌السادت فدوی و زیبا کریمی (۱۳۹۷)	تحلیل مضمون	تدوین مدل مفهومی دانشگاه مستقل براساس مطالعه دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته	عوامل دانشگاه مستقل عبارت است از: استقلال سازمانی، استقلال علمی، استقلال نیروی انسانی، استقلال مالی، پاسخگویی، بین‌المللی‌سازی، آزادی علمی، هیأت امنایی
۱۶	علی عبداللهی و احمد واعظی و کریم ابراهیمی (۱۳۹۶)	مطالعه موردی	بررسی و مقایسه جهت‌گیریهای سازمانی در ۱۲ سازمان فرهنگی کشور و طبقه‌بندی آنها از لحاظ چگونگی تمرکز بر مأموریت‌های اصلی آنها	اتخاذ رویکرد مسئله‌محوری از مفاهیم مورد سفارش برای شکل‌گیری سازمانهای یادگیرنده بود و دیگر رویکردهای نامشله‌محور به نوعی رقیب و جایگزین مسئله‌محوری به شمار می‌رود. مسئله‌محوری، که مسیر منطقی هدفگذاری سازمانی است به تمرکز ظرفیتهای کل سازمان بر مأموریت اصلی منجر می‌شود و به همین دلیل کارایی و اثربخشی سازمان را افزایش می‌دهد. مسئله‌شناسی صحیح، بخش عمده‌ای از مسیر مدیریت سازمان را هموار سازد.

ردیف	نویسنده(گان)	روش پژوهش	اهداف یا پرسشهای پژوهش	مهمترین یافته‌های پژوهش
۱۷	علی اصغر پورعزت و آرن قلی‌پور (۱۳۸۸)	توصیفی تحلیلی	بررسی تفاوت‌های پژوهش آموزش‌محور با پژوهش مسئله‌محور، تنگناهای پژوهش مسئله‌محور، لوازم پژوهش مسئله‌محور، پژوهش مسئله‌محور.	توسعه پژوهشهای مسئله‌محور مستلزم تشکیل گروه‌های فرارشته‌ای، بهره‌مندی از تخصصهای گوناگون و متعدد و توسعه سبکها و ساختارهای جدید مدیریت در فراگرد پژوهش است.
۱۸	احمد کلاهدوزی و مریم کوثری (۱۳۹۰)	توصیفی-تحلیلی	دستیابی به نظام آموزشی پژوهش‌محور متناسب با نظام تعلیم و تربیت سپاه در تحصیلات عالی و تکمیلی	الگو با استفاده از تحلیل عاملی چهار عنصر دارد: عنصر آموزشی، عنصر پژوهشی، عنصر اداری‌پشتیبانی، و عنصر اخلاقی، ارزشی، حقوقی، فرهنگی. هر عنصر شامل عوامل فرعی مهمی است.
۱۹	پورعزت و همکاران (۱۳۸۷)	تحلیل محتوا	احصای ویژگیهای مطلوب دانشگاه‌ها در جامعه جهانی	پیشنهاد ده راهبرد و راهکار برای جهانی شدن دانشگاه‌های کشور
۲۰	زهره شکیبائی و نادرقلی قورچیان و علی خلخالی (۱۳۸۸)	فرا تحلیل و تحلیل عاملی از نوع تحلیل مؤلفه‌های اصلی و ضرایب همبستگی مربوط به ماتریس مؤلفه‌ها	تبیین ساختار دانشگاه پژوهشی در چارچوب مؤلفه‌های آن با تأکید بر ماهیت و کاربردهای این نوع دانشگاه	صلاحیتها و ارتباطات بین‌المللی و بین فرهنگی، آزادی و مسئولیت اجتماعی، توان خلق منابع و ثروت، تمرکز بر بازتابهای ملی و فراملی، به‌روزرسانی زیرساختهای علمی پژوهشی، تعهد به بهگزینی و آموزش و پژوهش بین‌رشته‌ای جمعا حدود ۵۰٪ از واریانس مشترک در ساختدهی الگوی یک دانشگاه پژوهشی را تبیین کند.
۲۱	حامد نجاران طوسی (۱۳۹۶)	تحلیل مضمون	تدوین الگوی دانشگاه تراز انقلاب اسلامی از منظر امامین انقلاب اسلامی	الگوی جامع نهایی شامل ۴۳۳۵ مضمون اولیه در قالب ۳۲۸ مضمون سازمان‌دهنده (شاخص) به‌دست آمد. این مضمونها پس از دسته‌بندی در سطوح مختلف در نهایت در ۱۷ مضمون فراگیر (عامل) در پنج بُعد «پیامدها»، «نتایج»، «خروجیها»، «فرایندها» و «سرمایه‌ها و زیرساختها» ساماندهی شد.

با تأمل در این آثار پژوهشی مشخص می‌شود که برخی از اینها به معرفی و تشریح مسئله‌محوری و یا تبیین اهمیت و ضرورت علم نافع و مسئله‌محوری پرداخته‌اند؛ اما هیچ‌کدام از آنها توضیح نداده‌اند که برای مسئله‌محور شدن در سطح نهادی چه راهکاری را باید در پیش گرفت. دسته دیگر از این پژوهشها نیز الگوی یک دانشگاه را از ابعاد و جنبه‌های مختلف و با توجه به ویژگی خاصی مد نظر قرار داده، و بررسی کرده است. این دسته از پژوهشها، گرچه به ارائه راهکارهای خاصی می‌پردازند، اما نکته مهم در این است که این الگوهای دانشگاه در راستای مسئله‌محوری نبوده و از جنبه‌ها و ابعاد دیگری غیر از مقوله مسئله‌محوری مورد بررسی قرار گرفته است. لازم به ذکر است که در برخی از این الگوهای دانشگاهی به مقوله «مسئله‌محوری» (البته با

تعبیر مختلف) به عنوان یکی از عوامل الگوی مورد نظر اشاره شده است. در مجموع می توان گفت یک دسته از پژوهشها به چستی و چرائی مسئله محوری پرداخته است، اما چگونگی آن را در سطح نهاد مورد بحث قرار نداده است. دسته دیگر از پژوهشها، گرچه «چگونگی» دانشگاه را بررسی کرده به این چگونگیها از ابعاد و ویژگیهای دیگری غیر از مسئله محوری پرداخته، و «چگونگی مسئله محوری» مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است. این پژوهش درصدد بحث و بررسی درباره چگونگی مسئله محوری نظام دانشگاهی است تا از این طریق بتوان الگوی دانشگاه مسئله محور را تدوین، و طراحی، و ارائه کرد.

روش شناسی پژوهش

بر اساس پیاژ فرایند پژوهش^۱ (دانائی فرد و همکاران، ۱۳۹۰: ۵)، پارادایم این پژوهش، تفسیری است. جهتگیری آن بنیادی، و رویکرد آن استقرایی است. پژوهش از نوع کیفی، و از لحاظ محیط گردآوری اطلاعات، کتابخانه ای و میدانی است. راهبرد پژوهش، روش تحلیل مضمون است. هدف این پژوهش، اکتشاف و از لحاظ افق زمانی پژوهش، تک مقطعی است. برای گردآوری اطلاعات از مطالعه اسناد و مدارک کتابخانه ای استفاده شده است.

تحلیل مضمون در میان روشهای تحلیل داده های کیفی، متعارفترین و پرکاربردترین روشهای تحلیل داده های کیفی است که در دیگر رهیافتهای تحلیلی نیز مورد استفاده قرار می گیرد. تحلیل مضمون ضمن اینکه خود روش مستقل تحلیلی است، می تواند در روشهای تحلیلی دیگر نیز به کار گرفته شود.

تحلیل مضمون درصدد استخراج مضمونهای برجسته داده های یک متن در سطوح مختلف است، لذا برای شناسایی و تشریح چرایی و چستی هر پدیده، می توان از تحلیل مضمون بهره گرفت. شبکه مضمونی نیز به منظور آسانسازی ساختاردهی و ترسیم روابط این مضمونهای برجسته به کار می رود؛ بنابراین برای تشریح چگونگی هر پدیده می توان از شبکه مضمونها استفاده کرد (شیخزاده، ۱۳۹۱: ۱۵).

روشهای مختلفی برای تحلیل مضمون و تحلیل شبکه مضمونها هست که هر یک از آنها

گامهای خاصی را دنبال می‌کند. با ترکیب روش پیشنهادی کینگ و هاروکس (۲۰۱۰: ۱۵۳)، براون و کلارک (۲۰۰۶: ۲۳-۷) و آتراید - استیرلینگ (۲۰۰۱)، فرایند گام به گام و جامعی جهت تحلیل مضمون و تحلیل شبکه مضمونها به زبانی ساده عرضه می‌شود. در این بخش، فرایند تحلیل مضمون در قالب شش گام معرفی می‌شود (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷۷):

۱. آشنایی با داده‌ها و متن مورد بررسی

۲. ایجاد شناسه‌های اولیه و شناسه‌گذاری

۳. جستجو و شناسایی مضمونها

۴. بازبینی مضمونها و ترسیم شبکه مضمونی

۵. توصیف مضمونها و تحلیل شبکه مضمونی

۶. تهیه و تدوین گزارش.

برای ترسیم شبکه مضمونی باید انواع مضمونهای پایه (اصولی)، سازمان‌دهنده و فراگیر (عالی) از داده‌های متنی استخراج شود. مضمون پایه، شناسه‌ها و نکات کلیدی متن است که مطلب مهمی را در متن بیان می‌کند و با ترکیب آنها مضمون سازمان‌دهنده ایجاد می‌شود. مضمون سازمان‌دهنده، همان مقولات به‌دست آمده از ترکیب و تلخیص مضمونهای پایه است که واسط مضمونهای فراگیر و پایه شبکه مضمونی است. مضمون فراگیر نیز مضمونهای عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به عنوان کل است که در کانون شبکه مضمونها قرار می‌گیرد (کمالی، ۱۳۹۷: ۱۹۲).

پژوهشگر در گام اول این پژوهش برای آشنایی با داده‌ها، منابع مختلف علمی را، که (مستقیم و غیرمستقیم) درباره مسئله محوری مطالبی را مورد بحث و بررسی قرار داده بود، چندین بار، مورد بازخوانی کرد تا آشنایی عمیقتری با موضوع پژوهش و مسئله مورد بررسی به‌دست آورد؛ آن‌گاه دیدگاه‌ها و نظر صاحب‌نظران مختلف را استخراج کرد؛ سپس به گردآوری گزاره‌ها و داده‌هایی پرداخت که در راستای تدوین الگوی (وضعیت مطلوب) دانشگاه مسئله محور، مفید بود و می‌توانست مورد استفاده قرار بگیرد.

مراحل فرایند اعمال روش تحلیل مضمون را برای تدوین الگوی دانشگاه مسئله محور می‌توان به صورت گامهای ذیل در نظر گرفت:

۱. گردآوری و یافتن متون و منابع علمی مرتبط با مسئله پژوهش (ادبیات موضوع)

۲. کاهش متون به داده‌ها از طریق استخراج گزاره‌های مرتبط با هدف پژوهش به منظور تحلیل

مضمون

۳. برچسب گذاری اولیه گزاره‌های استخراج شده و تعیین مضمونهای اصلی
 ۴. دسته‌بندی گزاره‌ها و داده‌ها بر اساس شباهتها (با توجه به پرسش پژوهش)
 ۵. ترکیب و گروه‌بندی مفاهیم انتزاعی به دست آمده برای دست یافتن به مفاهیم کلی تر
 ۶. ترکیب مضمونهای کلی تر برای ساختن الگو.
- تقدم و تأخر این مراحل به نظر پژوهشگر بستگی دارد؛ از این رو این روش در پارادایم تفسیری جای می‌گیرد؛ گرچه پژوهشگر، طی مراحل پژوهش بصورت رفت و برگشتی بین این مراحل، نظر خود را اصلاح می‌کند. همان‌گونه که قبلاً نیز تبیین شد، بسیاری از روشهای کیفی در مراحل کار، شباهتهای زیادی با یکدیگر دارد و این موضوع برای تحلیل مضمون نیز بسیار آشکار است. جدول زیر (جدول ۳) نشان‌دهنده بخشی از تحلیل مضمون است. در این جدول، یک نمونه از شناسه گذاری اولیه برخی از گزاره‌ها و مضمونهای پایه مرتبط با آنها آمده است:

جدول ۳. نمونه‌ای از شناسه‌گذاری اولیه برخی از داده‌های متنی

ردیف	داده متنی	مضمون پایه
۱	نتایج پژوهشها باید در زمان تصمیم‌گیریها به‌موقع ارائه شود.	ارائه بموقع نتایج پژوهشها
۲	روحیه و فرهنگ کار گروهی و مشارکت پژوهشگران	روحیه مشارکت پژوهشی
۳	تأثیر چشمگیر پژوهشهای کاربردی در ارتقای استادان و برنامه‌ریزی و قوانین تشویقی برای پژوهشهای کاربردی	ترویج پژوهش کاربردی
۴	پاسخگویی به نیازهای فعلی و آینده مستلزم پیش‌بینی و برنامه‌ریزی است.	آینده‌نگری و برنامه‌ریزی
۵	باید دسترسی خوب و کافی به اطلاعات و منابع علمی باشد.	دسترسی به منابع اطلاعاتی علمی
۶	وجود دانش حرفه‌ای لازم برای پژوهش در میان اعضای هیأت علمی نیز ضروری است.	دانش حرفه‌ای استادان برای پژوهش
۷	هزینه‌کرد بودجه‌های پژوهشی باید هدفمند باشد.	هدفمندی تخصیص بودجه
۸	نگاه مسئله‌محور به سازمان، سازمان را مستعداً هرگونه انعطاف و پویایی لازم به منظور تحقق مسئله کند.	ساختار منعطف و پویا
۹	درباره مشکلات اجتماعی‌ای که در کشور وجود دارد، تحقیق، و راه ریشه کردن اینها را پیدا کنیم.	پژوهش برای حل مشکلات اجتماعی
۱۰	تحقیق را اولاً با توجه به نیازهای آن، هدفدار کنیم؛ یعنی ببینیم واقعاً کشور به چه احتیاج دارد و پژوهشها را در جهت نیازهای کشور قرار بدهیم	هدفمندی پژوهش

ردیف	داده متنی	مضمون پایه
۱۱	هدفمند کردن و ساماندهی آموزش عالی و ارتباط دادن آموزشهای عالی با نیازهای جامعه، اولین ضرورت اجرایی است.	نیازمحوری محتوای آموزش
۱۲	در پژوهش مسئله‌محور، نیازهای جامعه انسانی، تعیین‌کننده موضوعات پژوهشی خواهد بود.	تعیین موضوعات پژوهشی بر مبنای نیازها
۱۳	ساختار سازمانی براساس پاسخ به نیازهای مشتریان و بازار شکل می‌گیرد.	ساختار نیازمحور
۱۴	بسیاری از دانشگاه‌ها تا اندازه زیادی بقاء و توسعه خود را مدیون تعامل با جامعه و بازار کار می‌دانند.	بقا و توسعه مستلزم تعامل با خدمت‌گیرندگان

در این پژوهش طی فرایند تحلیل مضمون و استخراج انواع مضمونها، تعداد گزاره‌های استخراج شده از منابع برای تحلیل، ۱۹۵ گزاره است که بعد از تحلیل و شناسه‌گذاری آنها در قالب ۱۲۳ مضمون پایه، طبقه‌بندی شد. با ترکیب این مضمونهای پایه، ۳۹ مضمون سازمان‌دهنده به دست آمد که آنها نیز ذیل ده مضمون فراگیر قرار گرفت. جدول ذیل (۴) مربوط به مضمونهای سازمان‌دهنده و فراگیر است:

جدول ۴. مضمونهای سازمان‌دهنده و مضمونهای فراگیر

ردیف	عوامل (مضمونهای سازمان‌دهنده)	بُعد (مضمون عالی)
۱	برنامه‌ریزی	نظام اداره و برنامه‌ریزی دانشگاه
۲	مدیریت مشارکتی	
۳	مدیریت	
۴	قوانین و سیاستها	
۵	الگوی مدیریت علمی پژوهشی	
۶	سازماندهی	مدیریت منابع مالی
۷	تخصیص بودجه	
۸	ساختار آموزشی	
۹	فرایند تدریس و یادگیری	نظام تربیتی آموزشی نیازمحور
۱۰	برنامه‌ریزی درسی و محتوای آموزشی	
۱۱	نیازسنجی آموزشی	
۱۲	سیاستها و برنامه‌های آموزشی	
۱۳	مدیریت نظام پژوهشی	نظام پژوهشی مسئله‌محور
۱۴	اولویت‌بندی پژوهشها	

ردیف	عوامل (مضمونهای سازمان دهنده)	بُعد (مضمون عالی)
۱۵	پژوهش مسئله محور	نظام پژوهشی مسئله محور
۱۶	مراحل مسئله محوری	
۱۷	ویژگیهای نظام پژوهشی	
۱۸	مدیریت پژوهشها	
۱۹	پیشنیازهای مسئله محوری	امکانات و پشتیبانی
۲۰	واقعگرایی در بازخورها	یادگیری سازمانی و مدیریت دانش
۲۱	تحقق مأموریت	
۲۲	مدیریت دانش	
۲۳	نگرش و تفکر سیستمی	
۲۴	استفاده از نتایج پژوهشها	تجاری سازی و بازاریابی خدمات آموزشی و پژوهشی
۲۵	فرهنگ کار گروهی	فرهنگ دانشگاهی
۲۶	ترویج پژوهش تقاضا محور	
۲۷	فرهنگ پذیرش مخاطرات	
۲۸	فرهنگ یادگیری	
۲۹	فرهنگ ابهام پذیری	
۳۰	فرهنگ شفافیت	
۳۱	فرهنگ انتقاد پذیری	
۳۲	صلاحیتهای مدیریتی دانشگاه	مدیریت منابع انسانی
۳۳	صلاحیتهای استادان	
۳۴	نوع تعامل با خدمت گیرندگان	تعامل با خدمت گیرندگان
۳۵	شناساندن دانشگاه به خدمت گیرندگان	
۳۶	توانمندسازی خدمت گیرندگان	
۳۷	چگونگی تعامل با خدمت گیرندگان	
۳۸	ضرورت تعامل با خدمت گیرندگان	
۳۹	نیازمندی و ارتباط دوطرفه	

یافته‌های پژوهش

با توجه به تحلیل مضمون صورت پذیرفته، استخراج مضمونها و دسته‌بندی آنها مشخص شد که الگوی دانشگاه مسئله محور، ده بُعد دارد که عبارت است از: نظام تربیتی آموزشی، ارتباط و تعامل با خدمت گیرندگان؛ تجاری سازی و بازاریابی خدمات آموزشی و پژوهشی، نظام پژوهش،

مدیریت منابع مالی، امکانات، پیشنیازها و پشتیبانی، یادگیری سازمانی و مدیریت دانش، فرهنگ دانشگاهی، مدیریت منابع انسانی، نظام اداره و برنامه‌ریزی دانشگاه. توضیح هر یک از این ابعاد بدین قرار است:

تجاری‌سازی نتایج تحقیقات: تلاش برای انتقال و به‌کارگیری دانش و استفاده بهنگام از آن در بخشهای اقتصادی، اجتماعی و صنعت به تجاری‌سازی نتایج تحقیقات تعبیر می‌شود.

از مقوله «فرهنگ دانشگاهی» به مفهوم الگوی معانی نهفته در صور نمادین از جمله کنشها، گفته‌ها و تمامی مقولات معناداری است که افراد دانشگاهی به کمک آن با هم ارتباط برقرار می‌کنند و در تجربه، دریافته‌ها و باورهای مشترک با یکدیگر سهیم می‌شوند.

نظام اداره و برنامه‌ریزی دانشگاه: مدیریت، فرایند به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و براساس نظام ارزشی مورد قبول صورت می‌گیرد.

مدیریت منابع مالی: فرایند مدیریت منابع و مصارف مالی به‌منظور دستیابی به اهداف است. مقوله تأمین بودجه و افزایش سرمایه، نحوه تخصیص منابع و استفاده از وجوه شرکت، بودجه‌بندی کوتاه و بلندمدت و بسیاری دیگر از وظایف مهم سازمانی در دل مدیریت مالی جای می‌گیرد.

مدیریت دانش یعنی ایجاد فرایندهای لازم برای شناسایی و جذب داده، اطلاعات و دانش‌های مورد نیاز سازمان دانشگاه از محیط درونی و بیرونی و انتقال آنها به تصمیم‌ها و اقدامهای سازمان و افراد

امکانات، تجهیزات، تسهیلات، پیش‌نیازها، لوازم، تدارکات و پشتیبانی (لجستیک) که وجود آنها برای مسئله‌محوری در آموزش و پژوهش ضرورت دارد.

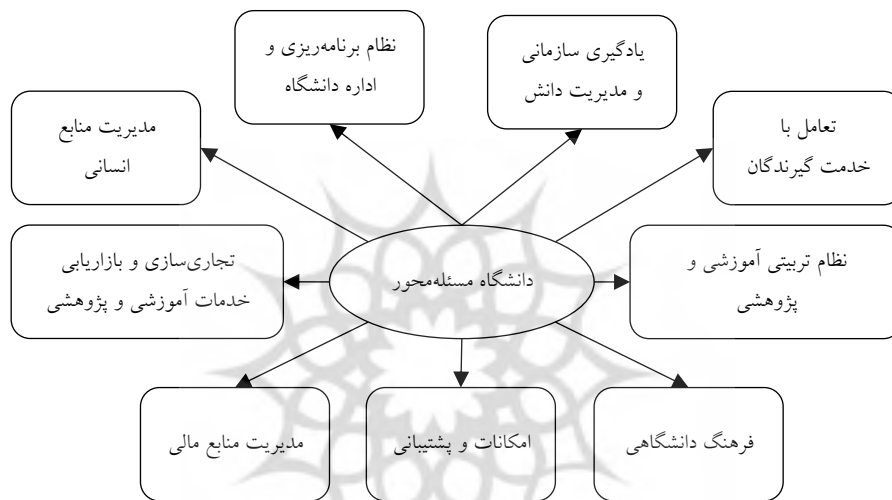
نظام آموزش و پژوهش: تلفیق رسمی آموزش و پژوهش و جدا نکردن این دو به ارتباط مولد بین آنها منجر، و باعث می‌شود دانشگاه‌ها بیشتر و بهتر بتوانند با نیازهای در حال تغییر جامعه رویارویی شوند و به این نیازها پاسخ مناسب‌تر بدهند.

مدیریت منابع انسانی: مجموعه فعالیتهای یکپارچه، راهبردی و منسجم با هدف توسعه و بهبود زندگی کاری و خانوادگی نیروهای انسانی را مدیریت منابع انسانی می‌نامند.

ارتباط و تعامل با خدمت‌گیرندگان: اشاره به هر گونه رابطه دوسویه بین دانشگاه (به‌مثابه تولیدکننده و عرضه‌کننده دانش) با نهادها، اجتماعات، جوامع، گروه‌ها و... (به‌مثابه متقاضیان

دانش) دارد.

در انتهای این قسمت، مضمونهای شکل گرفته از منابع در قالب شبکه مضمونها با یکدیگر ارتباط پیدا می کند تا بدین ترتیب الگوی اولیه دانشگاه مسئله محور ظهور یابد. برای درک بهتر این الگو، نمای کلی آن در نمودار ذیل ارائه شده است:



نتیجه گیری و پیشنهادها

الف. بحث، نتیجه گیری و شرح الگوی دانشگاه مسئله محور

در این پژوهش بر اساس مرور ادبیات پژوهش درباره الگوهای رایج دانشگاهی و نیز مقوله مسئله محوری در بُعد نظری و بُعد عملی ویژگی‌هایی در قالب گزاره‌های اولیه برای دانشگاه مسئله محور به دست آمد که در این پژوهش مبنای تدوین الگو قرار گرفت.

سپس گزاره‌های اولیه مورد تحلیل مضمون قرار گرفت. آنگاه مضمونهای پایه، مضمونهای سازمان دهنده و نهایتاً مضمونهای فراگیر از گزاره‌ها استخراج شد تا بتوان براساس آنها به ترسیم شبکه مضمونی پرداخت. مضمونهای فراگیر در واقع متغیرهای اصلی الگوی دانشگاه مسئله محور است که عبارت بود از: نظام تربیتی آموزشی، ارتباط و تعامل با خدمت گیرندگان، تجاری سازی و بازاریابی خدمات آموزشی و پژوهشی، نظام پژوهش، مدیریت منابع مالی، امکانات، پیشنیازها و

پشتیبانی، یادگیری سازمانی و مدیریت دانش، فرهنگ دانشگاهی، مدیریت منابع انسانی، نظام اداره و برنامه‌ریزی دانشگاه.

جوامع برای رفع نیازها (بویژه نیاز به نیروی آموزش‌دیده) و حل علمی مسائل و مشکلاتی که دارند به تأسیس نهاد دانشگاه اقدام می‌کنند، لذا فلسفه وجودی و وظیفه اصلی نهاد دانشگاه این است که برای ذی‌حقان و خدمت‌گیرندگان خود، پاسخگوی نیازها باشد و پس از شناسایی مشکلات و مسائل آنها، راه‌حلهای عالمانه خود را برای برطرف کردن آنها ارائه کند. دانشگاهی را که این گونه باشد، مسئله‌محور می‌دانیم؛ حال این دانشگاه مسئله‌محور به‌عنوان یک سامانه‌ای دارای اجزا و عواملی است؛ مثلاً برای مسئله‌محور شدن نظام دانشگاهی، آموزش دانشگاه بویژه محتوای آموزشی باید تغییرات چشمگیری یابد. در این راستا آموزشها باید با نیازها و مسائل ذی‌حقان و خدمت‌گیرندگان متناسب، و به‌گونه‌ای باشد که فراگیران بتوانند با استفاده از آموزشهایی که دریافت کرده‌اند، نیازهای خدمت‌گیرندگان را پاسخ دهند و راه حلی برای مشکلات و مسائل آنها بیابند. بدین منظور لازم است به‌طور پیوسته نیازسنجی کمی و کیفی نیروی کار صورت پذیرد. هم‌چنین یک مقوله مهم در این زمینه، آموزش روش پژوهش برای یافتن راه حل مسائلی است که خدمت‌گیرندگان با آنها روبه‌رو هستند. بنابراین یکی از عوامل دانشگاه مسئله‌محور، عامل «نظام تربیتی آموزشی نیازمحور» است که در مسئله‌محوری دانشگاهی نقش مهمی دارد.

از سوی دیگر، نظام پژوهش در کنار نظام آموزش، دو بازوی توانمند دانشگاه برای ادای وظیفه است تا بتواند نقش خود را در جامعه بخوبی ایفا کند. در واقع این دو نظام، قلب تپنده نهاد دانشگاه است؛ از این رو عامل دیگر در الگوی دانشگاه مسئله‌محور، «نظام پژوهشی مسئله‌محور» است. نظام پژوهشی باید به مسائل و مشکلاتی معطوف باشد که خدمت‌گیرندگان با آنها مواجهند و راه حل عملیاتی این مسائل و مشکلات را تعیین کند؛ بدین منظور لازم نیست که همه پژوهشها لزوماً فقط کاربردی باشد، بلکه می‌توان پژوهشهای نظری محضی را نیز در نظر گرفت که نتایج آنها برای پژوهشهای کاربردی قابل استفاده است و به‌کار می‌رود که سعی برای حل مسائل و مشکلات می‌شوند.

لازم به ذکر است که برای نیازگرایی نظام تربیتی آموزشی و مسئله‌محور شدن نظام پژوهشی، دانشگاه باید با خدمت‌گیرندگان و ذی‌حقان خود، یعنی نهادهایی که دانشجویان را پس از دانش‌آموختگی به‌کار می‌گیرند، تعامل و ارتباط متقابل برقرار کند. اهمیت این تعامل و ارتباط از

آن روست که دانشگاه از این طریق می‌تواند نیازسنجی آموزشی کمی و کیفی نیروی کار را انجام دهد و هم‌چنین به مسائل و مشکلات خدمت‌گیرنده پی‌ببرد و پژوهش‌ها را در راستای حل آنها جهت‌دهی کند و بدین ترتیب، آموزش و پژوهش دانشگاه از حالت انتزاعی خارج می‌شود و به نیازها و مسائل واقعی خدمت‌گیرندگان می‌پردازد؛ بدین دلیل متغیر مهم دیگر در الگوی دانشگاه مسئله‌محور، «تعامل با خدمت‌گیرندگان» است.

بازار دانش (که محل تبادل خدمات آموزشی و پژوهشی است) همانند بازار کالا، و قانون عرضه و تقاضا بر آن نیز حاکم است؛ پس دانشگاه مسئله‌محور (به‌مثابه عرضه‌کننده خدمات آموزشی و پژوهشی) باید به کمیّت و کیفیت تقاضای خدمات آموزشی و پژوهشی اهمیت بدهد و از طریق بازاریابی خدمات آموزشی و پژوهشی به مدیریت تقاضا بپردازد؛ بنابراین چنانچه یک خدمت آموزشی یا پژوهشی، مورد تقاضا نبود، دانشگاه به‌طور طبیعی نباید آن خدمت را عرضه کند. از سوی دیگر خدمت‌گیرندگان، خدمت آموزشی یا پژوهشی را تقاضا می‌کنند و بابت آن، هزینه، که برای آنها مفید و سودمند باشد؛ بدین منظور، آموزش‌ها و پژوهش‌های دانشگاه، باید بر نیازها و مسائل مبتنی باشد تا بتواند خدمات آموزشی و پژوهشی خود را تجاری‌سازی، و با کیفیتی ارائه کند که خریدار داشته باشد. بر این اساس، «تجاری‌سازی و بازاریابی خدمات آموزشی و پژوهشی»، عامل مهم دیگری است.

لازمه مسئله‌محور شدن نهاد دانشگاه، وجود برخی امکانات و پیش‌نیازهایی است که این مقدمات و پیش‌نیازها به‌مثابه ورودیهای نظام دانشگاه در کیفیت خروجیهای آن نقش تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت؛ لذا دیگر عامل دانشگاه مسئله‌محور، عامل «امکانات، پیش‌نیازها و پشتیبانی» است. این مؤلفه در واقع نقش حمایتی دارد و مقدمات لازم تحقق مسئله‌محوری دانشگاه را فراهم می‌کند. یکی از مهمترین مقدمات مسئله‌محور شدن نهاد دانشگاه، بودجه است که نوع و کیفیت تخصیص آن می‌تواند در محتوای آموزشی و موضوعات پژوهشی نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد و آنها را در راستای معینی جهت‌دهی کند؛ لذا برای نیازگرایی آموزش و مسئله‌محور شدن پژوهش، می‌توان از اهرم منابع مالی استفاده کرد و نشان داد که یکی دیگر از عوامل الگوی دانشگاه مسئله‌محور، «مدیریت منابع مالی» است. این عامل نقش پشتیبان اما در عین حال مهمی در تحقق مسئله‌محوری دارد که گرچه می‌توان آن را ذیل عامل «امکانات و پشتیبانی» نیز در نظر گرفت اما به دلیل اهمیت زیادی که دارد، جداگانه در نظر گرفته شده است.

مسئله‌محور شدن نهاد دانشگاه مستلزم این است که اولاً استادان توانمندیهای خاصی را برای مسئله‌محوری (بویژه در پژوهش) داشته باشند. ثانیاً از بازخور تجربه در کارهای آینده استفاده شود تا دانش حل مسئله، ارتقا یابد و در نتیجه، بازدهی افزایش پیدا کند؛ این امر موجب می‌شود مشکلات و نیازها زودتر و با روشی بهتر حل، و پاسخ داده شود. هم‌چنین لازمه مسئله‌محور شدن، حاکمیت تفکر سیستمی نیز هست؛ زیرا مسائل دنیای واقعی، ابعاد و وجوه مختلفی دارد که لازم است از دیدگاه رشته‌های مختلف به آنها نگریسته شود و این با نگرش سیستمی، تأمین می‌شود. این ویژگیها با متغیر «یادگیری سازمانی و مدیریت دانش» در الگوی دانشگاه مسئله‌محور تأمین می‌شود. می‌دانیم که مسئله‌محوری، اقتضائات خاص خود را دارد و فرهنگ سازمانی مخصوص به خود را می‌طلبد؛ زیرا خواست و اراده جمعی اعضای دانشگاه در مسئله‌محور شدن این نهاد فرهنگی نقش بسزایی دارد و این اراده جمعی، تحت تأثیر از مبانی و ارزشهای آنهاست. علاوه بر اینکه مسئله‌محوری نیازمند کارهای گروهی میان‌رشته‌ای است که مستلزم روحیه مشارکت پژوهشی و فرهنگ کار گروهی است؛ به همین دلیل یکی دیگر از عوامل الگوی دانشگاه مسئله‌محور، عامل «فرهنگ دانشگاهی» است.

هر گونه فعالیت و ایجاد هر تغییر و تحولی، مرهون خواست و همراهی نظری و عملی عوامل انسانی است؛ زیرا به هر جهت باید، کارها بدست آنها صورت پذیرد؛ ازاینرو به این عامل اساسی باید اهمیت داد و ارزش آنرا ارج نهاد؛ بدین سبب عامل «مدیریت منابع انسانی» نیز عامل دیگری است که در الگوی دانشگاه مسئله‌محور در این پژوهش مورد توجه قرار گرفت. مدیریت در هر مجموعه، نظام و یا سازمانی در واقع مغز متفکر آن نهاد است که تا وقتی خواست و اراده‌اش بر اجرای کاری نباشد، تحقق آن کار ناممکن می‌نماید؛ لذا عامل «نظام اداره و برنامه‌ریزی دانشگاه» در رأس الگوی دانشگاه مسئله‌محور است. نظام اداره و برنامه‌ریزی دانشگاه همانند نرم‌افزاری است که دیگر عوامل را (که به‌مثابه سخت‌افزارند) در راستای الگوی دانشگاه مسئله‌محور، هماهنگ و سازماندهی می‌کند و تغییرات لازم را در هر یک از این عوامل به‌وجود می‌آورد.

قابل توجه اینکه دسته‌ای از منابع به مسئله‌محوری پرداخته، و یا درباره اهمیت، ضرورت و فواید آن بحث کرده و یا به چگونگی فرایند پژوهش (و آموزش) مسئله‌محور (و نیازگرا) پرداخته‌اند؛ اما این پژوهش درصدد بود تا با نگرشی کلی و نگاه کلان‌نگر به نظام دانشگاهی فراهم آوردن محیط

و بستر برای حرکت به سمت مسئله محور شدن این نظام، الگویی را ارائه کند. در انتهای این قسمت، نتایج این پژوهش با دیگر پژوهشها در جدول ذیل (۵) به منظور تطبیق و مقایسه عرضه می‌شود. لازم به ذکر است که در برخی از پژوهشهای دیگری که قبلا مورد بررسی قرار گرفته بود الگوی خاصی ارائه نشده است؛ از این رو مقایسه، امکانپذیر نشد:

جدول ۵. مقایسه نتایج این پژوهش با برخی از پژوهشهای پیشین

عوامل الگوی دانشگاه مسئله محور	۱۰. امکانات، پیش نیازها و پشتیبانی	۹. مدیریت منابع مالی	۸. مدیریت منابع انسانی	۷. فرهنگ دانشگاهی	۶. بازاریابی خدمات آموزشی و پژوهشی	۵. ارتباط و تعامل با خدمت گیرندگان	۴. یادگیری سازمانی و مدیریت دانش	۳. نظام پژوهشی مسئله محور	۲. نظام تربیتی آموزشی نیاز محور	۱. نظام اداره و برنامه ریزی دانشگاه
نویسندگان دیگر پژوهشها										
۱. محسن شاکری و همکاران (۱۳۹۷)	✓		✓	✓				✓	✓	
۲. عابدی و همکاران (۱۳۹۶)				✓		✓	✓		✓	
۳. جوانمردی و همکاران (۱۳۹۷)				✓		✓	✓	✓	✓	
۴. راد و همکاران (۱۳۹۶)		✓		✓				✓	✓	
۵. گراوند و همکاران (۱۳۹۷)				✓				✓	✓	
۶. هوشی السادات و همکاران (۱۳۹۷)	✓	✓	✓	✓		✓	✓		✓	
۷. محسن خسروی و همکاران (۱۳۹۷)		✓	✓			✓		✓	✓	
۸. باقری و همکاران (۱۳۹۶)			✓	✓		✓			✓	
۹. احمد کلاهدوزی و مریم کوثری (۱۳۹۰)	✓			✓		✓	✓	✓	✓	
۱۰. پورعزت و همکاران (۱۳۸۷)				✓		✓		✓	✓	
۱۱. زهره شکیبائی و همکاران (۱۳۸۸)		✓						✓	✓	
۱۲. حامد نجاران طوسی (۱۳۹۶)	✓			✓		✓	✓	✓	✓	

ب. پیشنهادها

پیشنهادهای عملیاتی براساس یافته‌های پژوهش

۱. فرهنگ سازی برای ترویج گفتمان مسئله محوری و حاکمیت این گفتمان در الگوی ذهنی استادان، دانشجویان، مسئولان و دست اندرکاران دو نهاد دانشگاه و بنگاه برای تصمیم سازیها و تصمیم گیریهای آنها

۲. معیار و ملاک قرار گرفتن علم نافع و سودمند (در بُعد شخصی و یا در بُعد اجتماع)؛ و در بُعد سازمانی برای دانشگاه سازمانی) در تمامی آموزشها
 ۳. تدوین برنامه‌های راهبردی حرکت دانشگاه به سمت مسئله‌محور شدن و بررسی میزان تحقق آن بر اساس الگوی به‌دست آمده
 ۴. زمینه‌سازی همکاری استادان و دانشجویان برای حل مسائل سازمان
 ۵. طراحی و راه‌اندازی نظام مدیریت دانش به‌منظور تدوین و مستندسازی تجربه مربوط به حل مسائل و مشکلات خدمت‌گیرندگان و...
 ۶. به‌کار گرفتن الگوی دانشگاه مسئله‌محور به‌مثابه ملاک و معیار ارزیابی دانشگاه‌ها و رتبه‌بندی آنها بر مبنای فلسفه وجودی نهاد دانشگاه از لحاظ سودمندیشان در رفع نیازها و ارائه راه‌حل مسائل و مشکلات
 ۷. تنظیم و هماهنگ‌سازی تمامی فعالیتها، فرایندها و اقدامات ستادی دانشگاه در راستای مسئله‌محور شدن آموزش و پژوهش دانشگاه (فرایندهائی همچون جذب و ارتقای استادان، پذیرش و تربیت دانشجو، انتخاب مسئولان و مدیران سازمانی، و...)
 ۸. در نظر گرفتن فرصت عرضه خدمت به خدمت‌گیرنده به‌مثابه فرصت و منبعی برای یادگیری بیشتر و عینی‌تر
 ۹. گفتمان‌سازی مسئله‌محوری دانشگاهی در سطح عمومی به‌منظور تبدیل آن به مطالبه‌ای عمومی؛
 ۱۰. گنجانیدن آموزش روش حل مسائل و مشکلات در محتوای آموزشی
- پیشنهادهایی برای بررسیها و پژوهشهای آینده:
۱. پیشنهاد اصلی، مطالعه و پژوهش به‌منظور عملیاتی کردن و تعیین سازوکارهای اجرای پیشنهادهای بند قبل است.
 ۲. از آنجایی که این پژوهش به طراحی الگوی دانشگاه مسئله‌محور به‌طور کلی و کلان پرداخته است در بررسیهای پیاپی این پژوهش می‌توان با نگاهی خردتر به طراحی الگوهای ناظر به جزئیات و عوامل دانشگاه مسئله‌محور پرداخت تا الگوی این پژوهش، کامل شود و دقت و غنای بیشتری یابد.
 ۳. علم نافع، که مورد تأکید دین اسلام است در نمودها می‌تواند تجلی یابد: ۱. اثر علمی نافع ۲.

- نهاد علمی نافع ۳. فرد دارای منفعت علمی ۴. رشته علمی نافع. الگویی که در این پژوهش به دست آمد، الگوی نهاد علمی نافع است. پیشنهاد می‌شود در مطالعات دیگری برای نمودهای علم نافع دیگر نیز الگو و سازوکار لازم، استخراج و تدوین شود.
۴. مطالعه دیگری را می‌توان برای بررسی تأثیر هر یک از ابعاد و عوامل الگو بر مسئله محور شدن نهاد دانشگاه در نظر گرفت.
۵. پژوهشی را نیز می‌توان به بررسی روند اجرایی عملیاتی الگوی اختصاص داد.

منابع فارسی

- اجتهادی مصطفی، بهروزی محمد (۱۳۸۵)، تواناییها و قابلیت‌های دانش‌آموختگان در پاسخ به نیاز بازار کار به منظور ارائه چهارچوب ادراکی مناسب، دانش و پژوهش در علوم تربیتی، ش ۱۰ و ۱۱: ۲۸ - ۱.
- اخوان کاظمی بهرام (۱۳۹۰)، تحقق علم نافع، راهبردی بنیادین در اصلاح و اعتلای علمی کشور، معرفت در دانشگاه اسلامی، س پانزدهم، ش ۴ (پیاپی ۴۹): ۲۵ - ۴.
- اعتمادی‌زاده، هدایت‌الله؛ لیاقتدار، محمدجواد؛ نصر، احمدرضا؛ موسی‌پور، نعمت‌الله (۱۳۹۰)، تأملی بر پژوهش میان‌رشته‌ای در آموزش عالی، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره سوم، ش ۳ - ۲: ۵۰ - ۱۵.
- اعرافی، علیرضا؛ طرقي، مجید؛ مولودی، حسین (۱۳۹۷)، بررسی قاعده فقهی علم نافع در تعلیم و تعلم، دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات فقه تربیتی، ش ۳۱: ۱۰۸ - ۹۱.
- ایمان، محمدتقی؛ کلاته‌ساداتی، احمد (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی مسئولیت اجتماعی علم در اسلام و غرب، فصلنامه علمی - پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، س ۱۷، ش ۶۹: ۸۸ - ۵۹.
- ایمانجانی، محمدمبین (۱۳۹۶)، دانشگاه دهه پنجم دانشگاه مسئله‌محور، روزنامه فرهیختگان، ش ۲۳۹۴.
- باقری، مصباح‌الهدی؛ نوروزی، خلیل؛ محمدی، مهدی؛ آزادی احمدآبادی، جواد (۱۳۹۶)، کشف و اولویت‌بندی ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر بر ساختار دانشگاه کارآفرین: پیشنهادی برای موفقیت در وظایف نسل سوم دانشگاه‌ها، فصلنامه رشد فناوری، س سیزدهم، ش ۵۲: ۱۴ - ۸.
- پورعزت، علی‌اصغر؛ قلی‌پور، آریین (۱۳۸۸)، توسعه رویکرد مسئله‌محوری در مطالعات میان‌رشته‌ای، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، س اول، ش ۳: ۱۴۰ - ۱۲۷.
- پورعزت، علی‌اصغر؛ خواستار، حمزه؛ طاهری، عطار غزاله؛ فراچی، محمدمهدی؛ نرگسیان، عباس (۱۳۸۷)، الگوی مطلوب طراحی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران در عصر جهانی‌شدن، دانشگاه اسلامی، س دوازدهم، ش ۴: ۲۲ - ۳.

تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۴۱۰ ق)، *غررالحکم و دررالکلم*، قم: دارالکتاب الإسلامی، چ دوم، بازیابی‌شده از نرم‌افزار جامع الأحادیث.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، *منزلت عقل در هندسه معرفت دینی*، قم: اسراء.

جوانمردی، شیوا؛ عباس‌پور، عباس؛ خورسندی طاسکوه، علی؛ غیائی ندوشن، سعید (۱۳۹۷)، *طراحی الگوی دانشگاه نوآور در چارچوب اکوسیستم نوآوری در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی آموزش عالی ایران*، س ۱۰، ش ۴: ۱۷۰ - ۱۳۷.

حیدری کاشانی، محمدجواد (۱۳۷۷)، *رابطه علم و دین از دیدگاه علامه طباطبائی، ماهنامه پاسدار اسلام*، ش ۲۰۰: ۳۸ - ۳۴.

خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۰)، *دانشگاه تمدن‌ساز، مطالعات روابط فرهنگی بین‌الملل*، ش ۲ (ویژه‌نامه): ۱۵ - ۱۱. خسروی، محسن؛ فدوی، محبوبه‌السادات؛ کریمی، فریبا (۱۳۹۷)، *تدوین مدل مفهومی دانشگاه مستقل براساس مطالعه دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی*، س دوازدهم، ش ۴: ۱۲۰ - ۱۰۷.

خندان، علی‌اصغر؛ قضاوی‌زاده، مهدی (۱۳۹۷)، *مسئله‌محوری در پژوهش، مبانی دینی و بررسی برخی چالشهای عملی*، اولین همایش ملی آسیب‌شناسی پایان‌نامه‌ها و رساله‌های حوزه علوم انسانی - اسلامی، تهران: دانشگاه مذاهب اسلامی.

خندان، علی‌اصغر (۱۳۹۱)، *تقریر غایت‌گرایانه از علم دینی با تکیه بر اندیشه‌های استاد مطهری، ذهن*، ش ۵۰: ۵۰ - ۲۷.

خورشیدی، سعید (۱۳۹۰)، *تأملی درباره بایسته‌های رسانه‌های ارتباط جمعی در مسیر تولید علوم انسانی اسلامی، معرفت فرهنگی اجتماعی*، س دوم، ش ۳: ۳۲ - ۵.

دانایی‌فرد، حسن؛ الوانی، سیدمهدی؛ آذر، عادل (۱۳۹۰)، *روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع*، چ چهارم، تهران: انتشارات صفار: اشراقی.

دبیرخانه تحول و تعالی دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام (۱۳۹۴)، *طرح راهبردی تحول علمی و تعالی معنوی دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام*، تهران: دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام.

ذاکرحالهی، غلامرضا (۱۳۸۳)، *دانشگاه ایرانی، درآمدی بر جامعه‌شناسی آموزش عالی*، تهران: انتشارات کویر. ذاکرحالهی، غلامرضا (۱۳۹۶)، *دانشگاه ایرانی و مناقشه هویتی - کارکردی: در جستجوی الگوی گمشده، پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت*، س ۷، ش ۱: ۴۳ - ۲۷.

رشاد، علی اکبر (۱۳۸۷)، *معیار علم دینی، ذهن*، ش ۳۳: ۱۲ - ۵.

شاکری، محسن؛ اکبری، زهرا؛ هوشی‌السادات، سیدعلیرضا (۱۳۹۷)، *تدوین الگوی دانشگاه اسلامی در دیدگاه مقام معظم رهبری براساس نظریه داده‌بنیاد، فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، سال هشتم، ش چهارم (پیاپی ۲۹): ۵۰۰ - ۴۸۱.

- شکيبائی، زهره؛ قورچیان، نادرقلی؛ خلخالی، علی (۱۳۸۸)، ارائه مدلی برای ایجاد دانشگاه پژوهشی در نظام آموزش عالی ایران، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، س سوم، ش ۳: ۸۳ - ۶۹.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۹)، نقشه جامع علمی کشور.
- شیخزاده، محمد (۱۳۹۱)، الگوی رهبری خدمتگزار مبتنی بر دیدگاه امام خمینی، دوفصلنامه علمی - تخصصی اسلام و مدیریت، س ۱، ش ۱: ۳۶ - ۷.
- عابدی، بهاره؛ برادران، مسعود؛ خسروی پور، بهمن؛ یعقوبی، جعفر؛ یزدان پناه، مسعود (۱۳۹۶)، تدوین الگوی دانشگاه کارآفرین کشاورزی و منابع طبیعی از دیدگاه مدیریت آموزش کشاورزی، فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، ش ۴۰: ۱۳۹ - ۱۲۳.
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخزاده، محمد (۱۳۹۰) تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی، س پنجم، ش ۲ (پیاپی ۱۰): ۱۹۸ - ۱۵۱.
- عبدلهی نیسانی، علی؛ واعظی، احمد؛ ابراهیمی، کریم (۱۳۹۶)، مسئله محوری و نامسئله محوری، مقایسه و تحلیل رویکردهای جهت‌دهی سازمانی در مدیریت سازمانهای فرهنگی کشور، دوفصلنامه علمی - پژوهشی دین و سیاست فرهنگی، ش ۹: ۳۲ - ۷.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۳)، تاریخچه آموزش عالی در ایران، زیر نظر نادرقلی قورچیان، حمیدرضا آراسته و پریوش جعفری، دائرة المعارف آموزش عالی، ۲۸۴ - ۲۶۹، تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
- فرازمز، قراملکی احد (۱۳۸۰)، روش‌شناسی مطالعات دینی، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- فضل‌الهی، سیف‌اله؛ حیدرزاده، مریم (۱۳۹۴)، دانشگاه اسلامی: دانشگاهی یادگیرنده (ضرورتها و چالشها)، اسلام و پژوهشهای مدیریتی، س چهارم، ش دوم (پیاپی ۱۰): ۱۳۴ - ۱۱۱.
- کرامتی، یونس (۱۳۸۷)، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۵، ۶۳۱ - ۶۱۴، مدخل «تعلیم و تربیت»، زیر نظر محمدکاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- کشتکار، مهران؛ نوروزی، خلیل (۱۳۹۵)، الگوی مفهومی دانشگاه اسلامی از منظر مقام معظم رهبری، مطالعات راهبردی بسیج، س نوزدهم، ش ۷۳: ۲۷ - ۵.
- کلاهدوزی، احمد؛ کوثری، مریم (۱۳۹۰)، مبانی و الگوی آموزشهای پژوهش‌محور در دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، س نوزدهم، دوره جدید، ش ۱۲: ۱۶۸ - ۱۳۹.
- گراوند، ایوب؛ عبدلهی، بیژن؛ حسن‌پور، اکبر؛ شهریاری، سلطانعلی (۱۳۹۷)، طراحی مدل دانشگاه ارزش‌بنیان در وزارت علوم کشور، توسعه آموزش، س نهم، ویژه‌نامه: ۱۲۰ - ۱۰۹.
- الله‌نیا، محمد (۱۳۹۷)، «مقاله مطلوب» از دیدگاه مقام معظم رهبری، اندیشنامه ولایت، س چهارم، ش ۷: ۲۸ - ۵.
- مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۳)، قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مصوب

۱۳۸۳/۰۵/۱۸

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق.). بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، بازیابی شده از نرم افزار جامع الأحادیث.

مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۸۳)، سیاستهای کلی نظام برای رشد و توسعه علمی و تحقیقاتی کشور در بخش آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی، مصوب ۱۳۸۳/۱۲/۱۵.

مطهری مرتضی (۱۳۹۰)؛ مجموعه آثار استاد شهید مطهری؛ تهران؛ انتشارات صدرا؛ ج ۱؛ ج ۵؛ ج ۱۸؛ ج ۱۹ و ج ۲۲؛ نسخه الکترونیکی.

منصوری، رضا (۱۳۸۰)، دانشگاه و تعریف آن، رهیافت، ش ۲۴: ۲۹ - ۱۶.

نجانان طوسی، حامد؛ فاتح‌راد، مهدی؛ برزنونی، محمدعلی؛ حسنی‌آهنگر، محمدرضا؛ محمدی، ابوالفضل (۱۳۹۶)، الگوی دانشگاه تراز انقلاب اسلامی، مدیریت اسلامی، س ۲۵، ش ۳: ۵۲ - ۲۱.

نقوی، رشید؛ مصدق‌خواه، مسعود؛ حسنی‌آهنگر، محمدرضا؛ احمدوند، علی‌محمد (۱۳۹۶)، ارائه مدل مفهومی سنجش عملکرد دانشگاه سازمانی با رویکرد ترکیبی کارت امتیازی توسعه‌یافته، پژوهشهای مدیریت منابع انسانی، س نهم، ش ۱ (پیاپی ۲۷): ۲۰ - ۱.

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۸۸)، سند تحول راهبردی علم و فناوری کشور.

هوشی‌السادات، سیدعلیرضا؛ رحیمیان، حمید؛ عباس‌پور، عباس؛ خورسندی، علی؛ غیائی‌ندوشن، سعید (۱۳۹۷)، طراحی الگوی کیفی دانشگاه ناب برای دانشگاههای دولتی (مورد مطالعه: دانشگاه فرهنگیان)، راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، دوره ۱۱، ش ۳: ۱۴۱ - ۱۳۲.

هیأت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۲)، ارزیابی علم و فناوری در جمهوری اسلامی ایران، اولین ارزیابی کلان، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.

یمنی‌دوزی سرخابی، محمد (۱۳۸۸)، دانشگاه سازگار شونده: یک فرایند پیچیده، رویکردها و چشم‌اندازهای نو در آموزش عالی (مجموعه مقالات)، به اهتمام محمد یمنی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی: ۶۴ - ۱۳.

منابع انگلیسی

- Hirayama Masami, Sho Reika, Matsuzuka Yukari, Kishida Masatoshi (2004); Research on Corporate Universities; **JILPT Research Report No.8**
- Holliday Steven, Gide Ergun (2015); Moving Towards Market Driven Higher Education in Australia: Is it Time to Look at Economist Milton Friedman?; **International Journal of Arts & Sciences**; 08(05): 303-320
<http://www.leader.ir/>
- Kolo Philipp, Strack Rainer, Cavat Philippe, Torres Roselinde, Bhalla Vikram (2013); Corporate Universities: An Engine for Human Capital; **The Boston Consulting Group** Available online www.bcgperspectives.com

Scott Dane (2004); Transforming the "Market-Model University": Environmental Philosophy, Citizenship & the Recovery of the Humanities; **Worldviews** 8, 2-3; pp 162-184; Also available online – www.brill.nl

Wissema J. G., & Verloop J. (2009); Towards the Third Generation University: Managing University in Transition; **Cheltenham (UK): E. Elgar**

